

شیخ الرئیس ابن سینا

اولین جمعه ماه مبارک رمضان؛ سالروز درگذشت شیخ الرئیس ...



اولین جمعه ماه مبارک رمضان؛ سالروز درگذشت شیخ الرئیس
 شیخ الرئیس، حجة الحق، شرف الملک، امام الحکماء، معروف به ابن سینا، ابوعلی حسین بن عبدالله بن سینا (370-428 ق / 980-1037 م)، بزرگترین فیلسوف مشائی و پزشک نامدار ایران در جهان اسلام است.
 بر اساس نقل مشهور، وی در اولین جمعه ماه رمضان سال 428 هجری دار فانی را وداع گفته است.
 حجت الاسلام والمسلمین شیخ حسین انصاریان درباره این حکیم عالی‌قدر چنین می‌نویسد: ابن‌سینا جمله‌ای دارد که بسیار پرارزش است. شیخ الرئیس که خود انسان باارزشی بود، در شهر بلخ و در سن هجده سالگی، طاقت ماندن نداشت، به سبب این‌که در تمام منطقه بلخ استادی نبود که بتواند از او استفاده کند، زیرا حرکت عقلی‌اش فوق‌العاده سریع بود.
 کتاب‌های او عبارت‌اند از: کتاب شفا که یکی از کتاب‌های بزرگ فلسفه در طول تاریخ است و نمونه‌اش در این پنج هزار سال عمر فلسفه کمتر آمده است، هم‌چنین کتاب اشارات، و کتاب قانون که در علم طب است. دانشمندان بزرگ شرق و غرب می‌گویند که اکثر مطالب این کتاب نه تنها کهنه نشده، بلکه هنوز هم زنده است.
 1100 سال پیش، او در گوشه شهر همدان نشسته و کتاب قانون را نوشته و بیماری‌ها را با درمانش توضیح داده است. او وقتی به مسئله معده می‌رسد می‌گوید: معده انسان می‌تواند دچار 10 نوع درد شود. یازدهمی آن هنوز پیدا نشده است!

رمز موفقیت ابن‌سینا

به یقین، مغز ابن سینا از مغز ما سنگین‌تر نبوده. او هم یک ایرانی معمولی بوده که تنها تفاوتش با ما در بهره‌گیری از عقل بوده است. به هر حال، در این دنیا، یکی دنبال زیبایی بازو و قدرت مچ می‌رود؛ یکی در پی زیبایی اندام خویش است و دیگری به دنبال کسب مقام قهرمانی است. ابن‌سینا هم در پی قهرمانی عقل بود. برای همین، عقلش را به کار گرفت و لحظه‌ای وقتش را تلف نکرد.
 برخورد ابن سینا با نظام‌العلماء این استاد اخلاق و خطیب توانمند در صفحه 268 کتاب اندیشه در اسلام نیز درباره ابن‌سینا چنین می‌نویسد: ابن سینا با نظام‌العلماء که شخص حسود و بی‌تربیتی بود برخوردی داشت. این فرد با آن‌که باسواد بود و موقعیت علمی خوبی هم در جامعه آن روز داشت، تحمل ابن سینا را نداشت. در حالی که انسان خوب، انسانی است که هر وجود شایسته‌ای را تحمل کند و بدها را هم به جهت راهنمایی آنها به خوبی تحمل نماید. اما او از قدرت علمی خود استفاده کرد و به گفتر ابن سینا حکم داد.
 ابن سینا، که مانند خواجه نصیر طوسی از حکمای شیعه و بزرگ‌ترین فیلسوف مشاء کره زمین بود، در جواب نظام‌العلماء یک رباعی نوشت:

کفر چو منی گزاف و آسان نبود

محکم‌تر از ایمان من ایمان نبود

یعنی به این راحتی حکم به کفر من دادی؟ حال آن‌که هیچ دری از کفر به روی من باز نیست.

در دهر چو من یکی و آن هم کافر

پس در همه دهر یک مسلمان نبود

اگر من با این مقام علمی کافر شده باشم، پس در همه عالم یک مسلمان هم وجود ندارد.

اگر شیعه با این قرآن و روایات و فرهنگ، به بهشت نرود، یک نفر هم بهشت رفتنی نیست. اینجاست که انسان به امیدی عالی دست پیدا می‌کند و می‌فهمد که خدا به او چه عنایتی کرده است. به این معنا که او را در چنین خطی قرار داده است. این جاست که ارزش این فرهنگ و آراسته شدن به آن معلوم می‌شود.